

F.89

1 —

1
19C

694



www.ketab.ir

اسرائیلی کی من دیدم؛
بہ صلح
نہ حرف اصافہ

خاطرات خبرنگار عرب از سفر سال ۱۹۹۶ به شهرهای

صهیونیست نشین و مسلمان نشین فلسطین اشغالی

نویسنده: عاطف حزین

مترجم: وحید خضاب



اسرائیلی که من دیدم؛ نه صلح نه حرف اضافه

سرسناسه: حزین، عاطف، ۱۹۵۸- م. | عنوان قراردادی: اسرائیل الی رایتها؛
 لاسلام... ولاکلام! فارسی | عنوان و نام پدیدآور: اسرائیلی که من دیدم؛ نه
 صلح، نه حرف اضافه: خاطرات خبرنگار عرب از سفر سال ۱۹۹۶ به شهرهای
 صهیونیست نشین و مسلمان نشین فلسطین اشغالی / نویسنده عاطف حزین؛
 مترجم وحید خطاب. | مشخصات نشر: قم: انتشارات شهید کاظمی، ۱۳۹۸.
 | مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص. | شابک: ۶-۴۵-۶۶۰۹-۶۲۲-۹۷۸ | وضعیت
 فهرست نویسی: فیبا | عنوان دیگر: خاطرات خبرنگار عرب از سفر سال ۱۹۹۶ به
 شهرهای صهیونیست نشین و مسلمان نشین فلسطین اشغالی. | موضوع:
 حزین، عاطف، ۱۹۵۸- م. -- خاطرات | موضوع: خبرنگاران و خبرنگاری --
 مصر -- خاطرات | موضوع: Egypt -- Diaries -- Reporters and reporting
 شناسه افزوده: خطاب، وحید، ۱۳۶۶-، مترجم | رده بندی کنگره: PN۵۴۶۲
 رده بندی دیویی: ۰۷۹/۶۲ | شماره شابک: ۵۸۱۵۱۰۲ | ملی: ۵۸۱۵۱۰۲

نویسنده: عاطف حزین	مترجم: وحید خطاب
انتشارات: شهید کاظمی	نوبت چاپ: اول - تابستان ۹۸
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه	قیمت: ۲۰۰۰ تومان
شابک: ۶-۴۵-۶۶۰۹-۶۲۲-۹۷۸	
مدیریت هنری و آماده سازی: مؤسسه شهید کاظمی	

تمامی حقوق برای نشر شهید کاظمی محفوظ است

■ دفتر مرکزی نشر و بخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه اول،

فروشگاه ۱۳۱ | تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۰۸۴۴-۶

www.manvaketa.ir | پیامک: ۳۰۰۰۱۴۱۴۴۱



http://i.instagram.com/nashre_shahidkazemi



<https://telegram.me/Nashreshahidkazemi>

عضویت در
باشگاه مخاطبان



تقدیم به همسر

که قلب مرا «از بحر تا نهر»
در تصرف خود دارد

وحید

.. فهرست ..

۹	.. مقدمه مترجم ..
	.. فصل اول ..
۱۵	فریادی از پورت سعید
	.. فصل دوم ..
۲۵	روز قیامت
	.. فصل سوم ..
۳۵	ملاقات با موساد!
	.. فصل چهارم ..
۴۵	شبی در تل آویو
	.. فصل پنجم ..
۶۱	اشکیلون نه، عسقلان!
	.. فصل ششم ..
۷۷	راه به سوی «اریز»
	.. فصل هفتم ..
۹۱	هتل امید

۱۰۷	.. فصل هشتم در برابر «هرم» فلسطین
۱۲۱	.. فصل نهم اعدام یک میلیون غنچه!
۱۳۷	.. فصل دهم آوازهایی در مسیر
۱۵۷	.. فصل یازدهم روستای خیانتکاران!
۱۷۱	.. فصل دوازدهم قدس برای ماسک
۱۸۹	.. فهرست اعلام

.. مقدمه مترجم ..

برای کسانی که در صحنه جنگ حضور دارند (اعم از جنگ نظامی، سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی) یکی از مهم‌ترین مسائل، شناخت دشمن است. «دشمن‌شناسی» از حیاتی‌ترین کلیدهای موفقیت در نبرد به شمار می‌رود و این بر کسی پوشیده نیست. یکی از دغدغه‌های همیشگی من، فعالیت در این عرصه بوده، و آنچه مرا بیشتر به این کار تشویق می‌کرد (و می‌کند) آن بود (و هست) که «دشمن‌شناسی» تبدیل به کلیدواژه‌ای شده برای کسانی که بعضاً در پی ارضای غریزه «خیال‌بازی» یا حتی غریزه «فحاشی» خود هستند! نگاهی به «بعضی» از کتاب‌های دشمن‌شناسی نشان می‌دهد که در این آثار، بسیاری از دوستان، یا دستکم افرادی طرف، «دشمن» تلقی شده‌اند و از آن گذشته، در شناخت آنها هم تنها چیزی که رخ نداده، «شناخت» است!

همواره در آثار مختلفی که برای ترجمه برگزیده‌ام (و به جای خود، در هر کدام از آنها دلیل اختصاصی‌اش را نیز شرح داده‌ام) سعی کرده‌ام دست بر روی دشمن واقعی گذاشته و برای شناخت «بدون سانسور» و «منصفانه»

آنها تلاش کنم، اقدامی که در نهایت، منجر به تقویت جبهه خودی و پرشدن دستش برای دفاع یا حمله خواهد گردید.

رژیم صهیونیستی بدون تردید بزرگ‌ترین دشمن حال حاضر ما در صحنه منطقه‌ای (و به یک معنا، در صحنه جهانی) به شمار می‌رود، دشمنی‌ای که تمامی ابعاد و عرصه‌ها را در بر گرفته است. این دشمنی نه تنها یک دشمنی دینی و سیاسی، بلکه حتی یک دشمنی ملی است و این باید قاعدتا برای کسانی که به بُعد ملی‌گرایانه توجه دارند نیز حائز اهمیت باشد.

راه‌های مختلفی برای شناخت این دشمن وجود دارد که به جای خود در حال انجام است، اما شاید یکی از بهترین راه‌ها، بررسی چیزهایی باشد که خود صهیونیست‌ها درباره خود گفته و نوشته‌اند یا کسانی با حضور در بین آنها یا مناطق تحت سیطره‌شان، قلمی کرده‌اند. طبعاً مورد دوم، بیشتر شکل سفرنامه یا خاطرات خواهد داشت، و بدیهی است، علاوه بر تأمین هدف پیش‌گفته، خالی از جذابیت هم نخواهد بود.

در چارچوب همین نکات بود که کتاب حاضر، نظرم را جلب کرد. کتاب «اسرائیلی که من دیدم؛ نه صلح، نه حرف اضافه!» حاصل مشاهدات عاطف حزین (خبرنگار مصری) است که در سال ۱۹۹۶ به فلسطین اشغالی سفر کرده و هم در شهرهای صهیونیست‌نشین (از قبیل تل‌آویو) حضور یافته و هم در شهرهای فلسطینی‌نشین (مانند غزه) کار که به تعبیر خودش برای «شناخت آینده روند صلح» راهی سرزمین‌های اشغالی شده، در طول سفر، هم با شخصیت‌های سیاسی فلسطینی و غیرفلسطینی و هم با مردم عادی دیدار و گفتگو داشته و مشروح این گفتگوها را در کتاب خود درج کرده است. به این ترتیب، با خواندن کتاب او، شناختی دقیق‌تر از آنچه در سرزمین‌های اشغالی می‌گذشته به دست خواهیم آورد.

اما نکاتی چند، درباره این کتاب و ترجمه آن گفتنی است:

۱. راوی، به وضوح، به خط سازش (یا به تعبیر طرفداران این خط، «روند صلح») علاقه‌مند است. روشن است اساساً اگر کسی چنین رویکردی نداشته باشد، اجازه ورود به خاک فلسطین را به او نخواهند داد تا سفرنامه این سرزمین را به ارمغان بیاورد. لذا نه این کتاب، بلکه هر کتاب دیگری هم که در این عرصه به دست آوریم، توسط کسانی نوشته شده که در سویدای ذهن، با «موجودیت» رژیم صهیونیستی مشکلی ندارند و حاضرند در قبال چند امیاز معدود (که باید حقیقتاً از آن با عبارت «چندرغاز» یاد کرد) بقای این رژیم در بخش عمده فلسطین را به رسمیت بشناسند. این گفته ما نیست، بلکه خود آنها نیز «نهاراً چهاراً» آن را به زبان می‌آورند و به «صلح‌طلبی خود» فخر می‌کنند (بلکه فخر می‌فروشند!) با این احتساب سود این ترجمه در کجاست؟ از نظر این بنده، سود این کتاب دقیقاً در همین نکته نهفته است که راوی آن نه عضو حماس، و نه عضو حزب الله، و نه دلداده به مقاومت، بلکه از شفتگان «صلح» با صهیونیست‌هاست، ولی خود او (شاید بدون اینکه خود بداند) در طول کتاب به این نتیجه رسیده (و خواننده را نیز ناخودآگاه به این نتیجه رسانده) که حتی اگر ما هم شیفته صلح باشیم، اسرائیل به دنبال صلح نیست و اساساً با این رژیم «نمی‌توان» صلح کرد. خواندن این مطلب، تنها از زبان چنین کسی اثرگذاری دارد.

۲. زمان سفر راوی به بیش از ۲۰ سال پیش بازمی‌گردد. اما این مطلب نیز خللی به اهمیت کتاب وارد نمی‌کند. از طرفی کتاب، متنی تاریخی محسوب می‌شود و طبعاً در متون تاریخی، شناخت «گذشته» مدنظر است و از این حیث، قدمت متن، از قیمت آن نمی‌کاهد. از طرف دیگر، در کتاب، سخنان کسانی را می‌خوانیم که در همان سال‌ها (پس از قراردادهای کمپ دیوید، و سپس روند اسلو و مادرید و واشینگتن) دل به «صلح» داده بودند و رویای صلح به ملت خود می‌خوراندند. حالا و با گذشت ۲۰

سال به خوبی می‌توان دید آیا آن حرف‌ها و وعده‌ها (و به تعبیر درست‌تر، آن «خواب‌های در بیداری») حقیقت داشت و تحقق یافت یا آنکه عשרی از اعشار آن نیز محقق نشد. اهمیت این مسئله از آن روست که هنوز و همچنان، برخی‌ها عینا همان وعده‌ها را به فلسطینی‌ها و دیگر مسلمین می‌دهند و خواندن این کتاب (و امثال آن) آینه‌ای است که نشان می‌دهد آن وعده‌ها تا چه حد امکان تحقق دارند و تا چه پایه باید به آنها دل بست. کما اینکه نشان می‌دهد سخنان طرفداران مقاومت، تا چه میزان صحیح بود و چطور هم پیش‌بینی آنها از سودآور نبودن روند سازش تحقق یافت و هم روش خود آنها (مقاومت مسلحانه بی‌تعارف) بود که دستاوردهای عینی و عملی برای فلسطینی‌ها را بارآورد. (بگذریم که همین روند صلح و امتیازات وعده داده شده در آن هم ناشی از فشاری بود که فلسطینی‌ها با انتفاضه به صهیونیست‌ها وارد می‌کردند.)

۳. در ترجمه متن این کتاب، حتی یک کلمه را حذف نکرده و تغییر نداده‌ام. اگر بنا به شناخت دشمن است (و شناخت کسانی که طرفدار سازش با این دشمن‌اند) باید حرف هر دو را می‌پرده خواند، و نه «دشمن‌شناسی» پیش‌گفته به هیچ روی محقق نخواهد شد.

۴. با توجه به نکته فوق، در این کتاب مکرراً با الفظی نظیر اسرائیل، شهروند اسرائیلی، رئیس‌جمهور اسرائیل، مردم اسرائیل، شهرهای اسرائیل، عملیات انتحاری و ... مواجه می‌شویم. بدیهی است تمامی این الفاظ، از منظر منطقی و سیاسی، پوچ، بی‌معنی و غلط هستند. اما آنچه در کتاب آمده را، «چنانکه در کتاب آمده» ترجمه کرده‌ام. این الفاظ گاهی از طرف صهیونیست‌ها، راوی، یا مقامات طرفدار سازش بیان شده (که طبعاً از همین الفاظ استفاده می‌کنند) و گاهی هم راوی آنها را از زبان مردم فلسطین یا شخصیت‌های فلسطینی آورده (که در این موارد، نمی‌توان با قطعیت گفت

که آنها حتما از چنین لفظی استفاده کرده‌اند) اما در هر حال، ما تغییری در الفاظ ندادیم. البته در چند مورد، به صرف یادآوری، در پاورقی متذکر اشتباه بودن این الفاظ شدیم ولی در سراسر کتاب، امکان تکرار مکرر این قبیل پاورقی‌ها وجود نداشت، و ان شاء الله آنچه در اینجا ذکر شد، برای تبیین این مطالب در سراسر کتاب کفایت خواهد کرد.

۵. در باب تحلیل‌های مطرح شده در کتاب نیز همین مسئله صادق است. طبعاً مترجم و ناشر با همه آنچه در کتاب آمده موافق نیستند. اما کار مترجم، مترجمی است و اگر می‌خواست فقط هرآنچه خود می‌پسندد یا می‌پذیرد را روی قلم بیاورد، صحیح آن بود که قلم تألیف در دست بگیرد نه ترجمه. تألیف کردن در داخل تألیف دیگران، هنر نیست، سرقت است! البته در باب این قبیل تحلیل‌ها هم تغییری در متن صورت نگرفت تا مخاطب، خود بی‌پرده با آنچه صاحبان افکار مختلف گفته‌اند و می‌گویند آشنا شود. مشخصاً آنچه از زبان سفیر حسنی مبارک در رژیم صهیونیستی بیان شده و آنچه از زبان عماد المالوجی^۱ بیان گردیده، نقطه اوج این تحلیل‌های «حیرت‌انگیز» به شمار می‌رود. البته در «بعضی» موارد (و تنها در بعضی، نه همه موارد) در پاورقی به اجمال نکاتی را تذکر شده‌ام، ولی در اینجا نیز، امید دارم آنچه اکنون ذکر شد، در تمامی کتاب مورد نظر خواننده گرامی قرار داشته باشد.

۶. ترجمه این کتاب را سال‌ها پیش به صورت پاورقی در سایت رجائوز منتشر می‌کردم. برای انتشار آن به صورت کتاب، بار دیگر کل متن را به دقت بازبینی کردم و می‌توان گفت آنچه اکنون پیش‌روی شماست، «ویراست دوم» این ترجمه محسوب می‌گردد.

۱. او پیشترها از اعضای حماس بود ولی در همان زمان مصاحبه با راوی کتاب نیز از این جنبش جدا شده و به روند سازش ملحق شده بود. به همین جهت، صحبت‌های او به هیچ روی نمی‌تواند بیانگر نقطه نظرات حماس باشد.

۷. در نقل قول‌ها، آنجا که مصاحبه حالت رسمی داشته، از نگارش رسمی استفاده کرده‌ام و آنجا که گفتگوهای شخصی بوده، نقل قول‌ها را شکسته آورده‌ام.

۸. همه آنچه در سراسر کتاب در پاورقی یا داخل قلاب [] آمده، از مترجم است.

در خانه باید از صمیم قلب تشکر کنم از برادر بزرگ‌تر و بزرگوارم جناب حمید خلیلی، مدیر متواضع نشر شهید کاظمی، که حقیقتاً پشتیبان اهالی فرهنگ و همکاران خود است و شرح مکارم او، خود کتابی جداگانه می‌طلبد. امید که سایه‌اش مستدام باد.

والحمد لله اولاً و آخراً

وحید خضاب

۱۲ مرداد ۱۳۹۸

قم، آشیانه آل محمد ﷺ